



وعدۀ های صادق خداوند در قرآن

وعدۀ های صادق خداوند در قرآن کدامند؟ وعدۀ های صادق خداوند داری چه آثار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی می باشد؟

وعدۀ های صادق خداوند در قرآن کدامند؟ وعدۀ های صادق خداوند داری چه آثار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی می باشد؟

مقدمه:

خداوند با توجّه به نیازهای بشر و با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان بندگان، به آنها وعدۀ هایی داده است. که قرآن با توجّه به آثار تربیتی این وعدۀ ها و به تناسب شرایط مسلمانان به نقل این وعدۀ ها و وعدۀ هایی که خداوند به مسلمانان داده است.

وعدۀ صادق برای دیگران نشانگر اعتماد قابل اعتمادی است که در جامعه بین افراد ایجاد می شود. افرادی که وعدۀ های صادق می دهند. به عنوان افراد مورد اعتماد شناخته می شوند و ممکن است فرصت های شغلی و همکاری های مثبت بیشتری داشته باشند.

وعدۀ صادق می تواند به تقویت روابط و ایجاد همبستگی بین افراد کمک کند. وقتی که وعدۀ هایمان را به عمل می آوریم، نشان می دهیم که ارزش قائلیم به واژه ها و احترامی برای دیگران قائلیم. این می تواند به ایجاد همکاری و همدلی بین افراد منجر شود و روابط را سازنده تر کند.

وعدۀ صادق نشانگر ارزش ها و اصول شخصیتی ما است. وقتی که وعدۀ های صادق می دهیم و آن ها را به عمل می آوریم،

خودمان را به عنوان افراد قابل اعتماد و باارزش نشان می دهیم. این می تواند به تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ما کمک کند و ما را به سمت توانمندی های بیشتر هدایت کند.

وعدۀ صادق می تواند به پیشرفت شخصی و اجتماعی کمک کند. وقتی که وعدۀ های صادق را به عمل می آوریم، به خودمان و دیگران نشان می دهیم. که قادر به تعهد و اجرای وظایف هستیم. این می تواند به توسعه مهارت ها، ارتقای شغلی و بهبود روابط اجتماعی کمک کند.

بنابراین، وعدۀ صادق آثار بسیار مثبتی در زندگی شخصی و اجتماعی دارد و می تواند به تقویت روابط، افزایش اعتماد و پیشرفت فردی کمک کند. در این مجال مختصر به وعدۀ های قرآنی خداوند و آثار و پیامدهای وعدۀ های خداوند در اجتماع می پردازیم و مهمترین آنها را ذکر می نماییم:

وعدۀ در لغت و اصطلاح

وعد در لغت به معنی عهد است (1) و در اصطلاح عبارتست از تعهد کردن به انجام امری، خواه آن امر خیر باشد یا شرّ و اختصاص پیدا کردن به یکی از آن ها بواسطه قرینه، معنی می شود. (2)

صادق در لغت و اصطلاح

صفت «صادق (راستگو)»، اسم فاعل است از ماده «صدق»، به معنای نیرومندی در چیزی، خواه سخن باشد یا غیر آن. صدق، خلاف کذب است؛ چرا که دروغ، نیرویی ندارد و باطل است. اصل این معنا، از این گفتار آمده است: «شیءٌ صدق؛ چیزی است استوار».

ر قرآن کریم صادق، برگرفته از ماده «صدق»، دوازده بار به خدای متعال نسبت داده شده است. خدای سبحان در این آیات، گاه به راستی در گفتار، گاه به راستی در وعدۀ، و گاه نیز به مطلق راستی وصف گشته است.

می سزد که در باب وجه مناسبت میان راستی خدا در گفتار و وعدۀ، با معنای لغوی صدق (نیرومندی)، بگوییم که خدای متعال، به سبب نیرومندی در گفتار و وعدۀ اش، راست گو و راست وعدۀ است؛

یعنی گفتار او مطابق با واقع است، هیچ دروغی در آن نیست و او خلف وعده نمی کند؛ بلکه او راست گوترین راستگویان است؛ زیرا او نیرومندترین نیرومندان است و هر نیرویی از جانب اوست.

وعده صادق چیست؟

وعده صادق یعنی وعده ای که با تمام صداقت و اعتقاد به دیگران داده می شود و قصد اجرای آن را داریم. این نوع وعده ها بر اساس ارزش ها و اصول شخصیتی ما تعیین می شود و به عنوان یک تعهد جدی محسوب می شود.

وعده صادق نشان دهنده اعتماد و احترام به دیگران است و برای حفظ روابط سالم و قوی بسیار مهم است. بنابراین، بهتر است وعده هایی که قصد اجرای آن ها را نداریم، ندهیم و تلاش کنیم تا همیشه وفادار به وعده هایمان باشیم.

چرا وعده صادق مهم است؟

وعده صادق بسیار مهم است. وعده هایی که به دیگران می دهیم، نشان از اعتماد و احترام ما به آنان است. وقتی که وعده هایمان را نقض می کنیم، اعتمادی که دیگران به ما داشته اند به خطر می افتد و ممکن است رابطه ما با آنان آسیب ببیند.

همچنین، وعده های صادق نشان دهنده اعتبار و شخصیت قوی ما می باشند و می توانند تأثیر بزرگی در روابط ما با دیگران داشته باشند.

وعده صادق نشانگر ارزش های اخلاقی و قدرت کنترل خودمان است و به ما کمک می کند تا به عنوان یک فرد قابل اعتماد و شایسته شناخته شویم. بنابراین، حفظ وعده های صادق بسیار مهم است تا روابطمان قوی و پایدار باشد.

یامدهای سیاسی وعده صادق چیست؟

یامدهای سیاسی وعده صادق می تواند بسیار اهمیت دار و تأثیرگذار باشد. در زیر چند نمونه از این پیامدها را برایتان ذکر می کنم:

اعتماد عمومی:

وعده صادق به عنوان یک عنصر اصلی در ارتباطات سیاسی، می تواند اعتماد عمومی را تقویت کند. وقتی که سیاستمداران و مقامات عمومی وعده های صادق می دهند و آنها را به عمل می آورند، اعتماد مردم به آنان افزایش می یابد.

این اعتماد می تواند به تقویت روابط بین مردم و دولت، بالا بردن حضور مردم در فرایند سیاسی و بهبود کیفیت دموکراسی کمک کند.

پایبندی به اصول و قوانین:

وعده صادق می تواند به پایبندی سیاستمداران به اصول و قوانین کمک کند. وقتی که سیاستمداران وعده های صادق می دهند

و آنها را به عمل می آورند، این نشان می دهد که آنان به اصول و قوانین مربوطه پایبند هستند و به دموکراسی و حکمرانی قانونی احترام می گذارند. این می تواند به تقویت نظام حاکمیت قانون و پیشرفت سیاسی کمک کند.

مشارکت سیاسی:

وعده صادق می تواند به افزایش مشارکت سیاسی مردم کمک کند. وقتی که سیاستمداران وعده های صادق می دهند و آنها را به عمل می آورند، و این امر به مردم اعتماد می دهد که مشارکت در فرایند سیاسی می تواند تأثیرگذار باشد.

این می تواند به افزایش حضور مردم در انتخابات، فعالیت در سازمان های مدنی و انگیزه بیشتر برای مشارکت سیاسی منجر شود. استحکام دولت و پایداری سیاسی: وعده صادق می تواند به استحکام دولت و پایداری سیاسی کمک کند. وقتی که سیاستمداران وعده های صادق می دهند.

و آنها را به عمل می آورند، این باعث می شود که دولت به عنوان یک نهاد قابل اعتماد و پایدار شناخته شود. این می تواند به پایداری سیاسی و اجتماعی کمک کند و نیز به توسعه و پیشرفت کشور منجر شود.

به طور کلی، وعده صادق در سیاست می تواند به تقویت اعتماد عمومی، پایبندی به اصول و قوانین، افزایش مشارکت سیاسی

و استحکام دولت و پایداری سیاسی کمک کند. با احترام به وعده ها، سیاستمداران می توانند روابط با مردم را بهبود بخشند و به توسعه و پیشرفت جامعه کمک کنند.

پیامدهای اجتماعی وعده صادق کدامند؟

پیامدهای اجتماعی وعده صادق نیز بسیار اهمیت دار و تأثیرگذار هستند. در زیر چند نمونه از این پیامدها را برایتان ذکر می کنم:

اعتماد و همبستگی:

وعده صادق می تواند به افزایش اعتماد و همبستگی در جامعه کمک کند. وقتی که افراد وعده های صادق می دهند و آن ها را به عمل می آورند، اعتماد بین افراد افزایش می یابد و این می تواند به تقویت روابط اجتماعی و همبستگی کمک کند.

ارزش های اخلاقی:

وعده صادق می تواند به تقویت ارزش های اخلاقی در جامعه کمک کند. وقتی که افراد وعده های صادق می دهند و آن ها را به عمل می آورند،

این نشان می دهد که آنان به اهمیت احترام به تعهدات خود و احترام به دیگران اعتقاد دارند. این می تواند به تقویت ارزش های مثل امانتداری، صداقت و احترام به حقوق دیگران کمک کند.

پیشرفت اجتماعی:

وعده صادق می تواند به پیشرفت اجتماعی کمک کند. وقتی که افراد وعده های صادق می دهند و آن ها را به عمل می آورند،

این می تواند به بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کمک کند. اعتماد بین افراد و بهره وری بالا، می توانند به توسعه و پیشرفت جامعه منجر شوند.

حل و فصل صلح آمیز اختلافات: وعده صادق می تواند به حل و فصل صلح آمیز اختلافات کمک کند. وقتی که افراد وعده های صادق می دهند .

و آن ها را به عمل می آورند، این می تواند به ایجاد زمینه های مشترک برای حل و فصل اختلافات کمک کند و از تنش ها و تعارضات جامعه کاسته شود.

بنابراین، وعده صادق می تواند به افزایش اعتماد و همبستگی، تقویت ارزش های اخلاقی، پیشرفت اجتماعی و حل و فصل صلح آمیز اختلافات در جامعه کمک کند. احترام به وعده ها می تواند به سازندگی و پیشرفت اجتماعی منجر شود.

دلیل اهمیت ندادن به وعده های صادق چیست؟

دلایلی که ممکن است برای عدم اهمیت دهی به وعده های صادق وجود داشته باشد عبارتند از:

تجربه های قبلی:

برخی افراد ممکن است تجربه های ناامیدکننده درباره وعده های صادق در گذشته داشته باشند. این تجربه ها ممکن است باعث شده باشد که آنها به وعده ها اعتماد کمتری داشته باشند و اهمیت کمتری به آنها بدهند.

تنش های سیاسی و اجتماعی:

در برخی شرایط، وعده های صادق ممکن است در مقابل تنش ها و نزاعات سیاسی و اجتماعی کمترین اهمیت را داشته باشند. در این شرایط، افراد ممکن است بر اساس اولویت های دیگر خود، اهمیت کمتری به وعده ها بدهند.

عدم قدرت اجرای وعده ها:

در برخی موارد، وعده های صادق ممکن است به دلیل محدودیت های سیاسی، اقتصادی یا ساختاری نتوانند به درستی اجرا شوند. در این صورت، افراد ممکن است به عدم قابلیت اجرای وعده ها اعتقاد کنند و آنها را نادیده بگیرند.

تأثیر رسانه ها و اطلاعات متناقض:

برخی افراد ممکن است به دلیل وجود اخبار متناقض و اطلاعات تضادی درباره وعده های صادق، اعتماد کمتری به آنها داشته باشند. تأثیر رسانه ها و پوشش های مختلف ممکن است باعث شود که افراد به وعده ها شک کنند و آنها را به چالش بکشند.

البته، برخی دلایل دیگری نیز می‌تواند برای عدم اهمیت دهی به وعده‌های صادق مطرح شود. در ادامه چند نمونه دیگر را برایتان ذکر می‌کنم:

نیاز فوری:

در برخی موارد، افراد به دلیل وجود نیازهای فوری و اساسی، اهمیت کمتری به وعده‌ها می‌دهند. وقتی که فردی در موقعیتی بحرانی قرار دارد و نیازهای اساسی اش را تامین نمی‌کند، اهمیت وعده‌های صادق کاهش می‌یابد.

فراموشی:

برخی افراد ممکن است به دلیل فراموشی یا عدم مدیریت مناسب زمان، وعده‌های صادق را نادیده بگیرند. در بعضی موارد، وعده‌ها به دلیل عدم یادآوری یا توجه کافی، به تأخیر می‌افتند یا به طور کامل فراموش می‌شوند.

فشار روانی:

در برخی موارد، فشارهای روانی ممکن است باعث شود که افراد وعده‌های صادق را نادیده بگیرند. استرس، اضطراب یا مشکلات روانی ممکن است باعث عدم تمرکز و توانایی اجرای وعده‌ها شود.

عدم ارزش گذاری:

برخی افراد ممکن است به دلیل عدم ارزش گذاری به مواردی مانند وفاداری و تعهد، وعده‌های صادق را کمترین اهمیت را بدهند. برای این افراد، مسائل دیگری مانند نتیجه‌گیری سریع یا منافع فردی مهمتر از وعده‌ها به نظر می‌رسد.

عدم تفهیم:

در بعضی موارد، عدم درک و فهم صحیح از اهمیت وعده‌های صادق می‌تواند باعث عدم اهمیت دهی به آنها شود. افرادی که اهمیت اجرای وعده‌ها را نمی‌فهمند یا تأثیر آن را درک نمی‌کنند، ممکن است به آنها اهمیت کمتری بدهند.

به طور کلی، دلایل عدم اهمیت دهی به وعده‌های صادق می‌تواند به تجربه‌های قبلی ناامیدکننده، تنش‌های سیاسی و اجتماعی، عدم قدرت اجرای وعده‌ها، تأثیر رسانه‌ها و اطلاعات متناقض، نیازهای فوری، فراموشی، فشار روانی، عدم ارزش گذاری و عدم تفهیم برگردد. البته، دلایل دیگری نیز برای عدم اهمیت دهی به وعده‌های صادق وجود دارد. در ادامه چند مورد را برایتان ذکر می‌کنم:

تغییر شرایط: در برخی موارد، شرایط و موقعیت‌ها ممکن است تغییر کند و وعده‌های صادق منسوخ شوند. در این صورت، افراد ممکن است به دلیل تغییر شرایط، اهمیت کمتری به وعده‌ها بدهند.

عدم ارزش اجتماعی: برخی افراد ممکن است به دلیل عدم ارزش اجتماعی وعده‌ها، اهمیت کمتری به آنها بدهند. وقتی که فردی اهمیت کمتری به موضوعات اجتماعی و روابط انسانی بدهد، ممکن است وعده‌های صادق را نادیده بگیرد.

عدم اعتماد: افرادی که به دلیل تجربه‌های مختلف، به وعده‌های صادق اعتماد کمتری دارند، ممکن است به آنها اهمیت کمتری بدهند. عدم اعتماد به طرف مقابل می‌تواند باعث عدم توجه به وعده‌ها شود.

عدم تعهد: برخی افراد ممکن است به دلیل عدم تعهد به تعهدات و مسئولیت‌های خود، اهمیت کمتری به وعده‌ها بدهند. وقتی که فردی به تعهدات خود عمل نکند، احتمالاً به وعده‌ها نیز اهمیت کمتری خواهد داد.

ناپایداری: در برخی موارد، وعده‌های صادق به دلیل ناپایداری و عدم ثبات در زمان، اهمیت کمتری می‌یابند. وقتی که وعده‌ها به طور مداوم تغییر می‌کنند و اجرا نمی‌شوند، افراد ممکن است به آنها اهمیت کمتری بدهند.

عدم موثر بودن: در برخی موارد، وعده‌های صادق ممکن است به دلیل عدم تأثیرگذاری مورد انتظار، اهمیت کمتری بیابند. وقتی که فردی احساس کند وعده‌ها تأثیر مورد انتظار را ندارند، ممکن است به آنها اهمیت کمتری بدهد.

به طور کلی، عدم اهمیت دهی به وعده‌های صادق می‌تواند به عواملی مانند تجربه‌های قبلی ناامیدکننده، تنش‌های سیاسی و اجتماعی، عدم قدرت اجرای وعده‌ها و تأثیر رسانه‌ها و اطلاعات متناقض برگردد.

اما لازم به ذکر است که وعده‌های صادق و اجرای آنها همچنان اهمیت و ارزش خود را دارند و می‌توانند به تقویت روابط اجتماعی

و پیشرفت جامعه کمک کنند.

۱ - تفاوت وعده با عهد

عهد به وعده ای گفته می شود که مقرون به شرط باشد، و درباره انجام آن، از لفظ وفاء کردن استفاده می شود، اما درباره وعده از لفظ إنجاز استفاده می گردد و به عمل نکردن به عهد، «نقض عهد» گفته می شود در حالی که به عمل نکردن به وعده «خلف وعده» گفته می شود. (3)

۲ - تفاوت وعده با وعید

1- وعد در وعده خیر و شر بکار می رود ولی «وعید» و «ایعاد» فقط در وعده شر استعمال می شود. (4)

۲- فرق دیگری که بین «وعد» و «وعید» وجود دارد این است که خلف وعده، قبیح است و صدور آن از خداوند محال است، (5) ولی خلف وعید در مواردی، نه تنها قبیح نیست بلکه حسن هم دارد چون این کار او اظهار کرم است. (6)

۳- وعده از راه تفضل خداوند بر بندگان است نه استحقاق بندگان، زیرا مؤمن هر چه ایمانش کاملتر باشد و اعمال صالحه او زیادتر باشد..

نمی تواند شکر کوچکترین نعمت های الهی را اداء نماید تا مستحق دریافت آن وعدهها گردد، ولی وعید از راه استحقاق عباد است و خداوند زائد بر استحقاق، کسی را عذاب نمی کند، بلکه چه بسا عفو نموده و گذشت می کند. (7)

واژه وعد در قرآن

واژه وعد در قرآن ۱۵۱ بار استعمال شده که ۹۱ بار از این تعداد به وعدهای خدا، که در موقعیت های متفاوت صادر شده، اختصاص یافته است که نشان از اهمیت این مطلب دارد.

وعده های صادق خداوند در قرآن کدامند؟

1- حقایق وعده های صادق الهی

وعده های خداوند حق است و هیچگونه باطل در آن راه ندارد، چرا که همیشه با واقعیات منطبق است، قرآن کریم در این باره می فرماید:

«... أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (8) «... آگاه باشید وعده خدا حق است»

از آن جا که قول خدای تعالی همان فعل او است، وعده او عبارت است از همان رفتاری که او با ما خواهد کرد که فعلاً برای ما غایب است و جنبه آینده را دارد، ولی برای خدای تعالی نه غایب است و نه جنبه آینده دارد. ()

لازم به ذکر است که در قرآن حدود ۲۰ آیه در مورد حقایق وعده های خداوند وارد شده، که می تواند تأکیدی بر واقعی بودن وعده های خداوند باشد.

2- حتمیت وعده های صادق الهی

صدور خلف وعده از خداوند محال و وقوع وعده های او حتمی است:

1- زیرا «خلف وعده» یا از جهت عدم قدرت و عجز بر انجام است یا از جهت احتیاج است یا از جهت نسیان است، که این جهات در خداوند راه ندارد، (10)

آنچنانکه خداوند در قرآن فرموده: **فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفاً وَعْدِهِ رُسُلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ** : (11)

«پس گمان مبر که خدا وعده ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است .

و در آیات دیگری برای از بین بردن هر گونه شکی، پس از قسم های فراوان، با تأکید می فرماید:

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ (12)

که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می شود، یقیناً واقع شدنی است. که همه این آیات و آیات دیگر، بر حتمی بودن وقوع وعده های خداوند تأکید می نمایند، تا آن جا که حتی گمان تخلف این وعده ها نیز صحیح نیست. (13)

۲ اگر خلف وعده بر خدا جایز باشد، ارسال رسولان و تندی و تبشیر مردم کاری عبث بوده و باعث سلب اطمینان بندگان و سست شدن آن‌ها در اطاعت و عبادت او میشود. (14)

۳) در قرآن حدود ۲۵ آیه درباره حتمی بودن وعده‌های خداوند صادر شده که نشانگر میزان تأکید خداوند بر حتمی الوقوع بودن وعده‌های اوست. (۴) وعده‌های خدا بر اساس حکمت و مصلحت اوست، چنانکه قرآن کریم، برای یادآوری وضعیت مؤمنین پیش از وقوع غزوه بدر، درباره وعده خدا به مؤمنان، میفرماید: (15)

«وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» (16) «و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه (کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها) نصیب شما خواهد بود.

و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید) ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند از این رو شما را بر خلاف میلان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد.»

در این آیه خداوند به مؤمنین وعده نبرد و درگیری با یکی از دو گروه تجاری یا نظامی را می‌دهد، در حالی که مسلمین از قدرت کافی برای مبارزه برخوردار نبودند و نیازمند آرامش برای تثبیت نظام نوپای خود بودند، اما خداوند براساس مصلحت و حکمت، به آن‌ها این وعده را داد. (17)

وعده‌های صادق خدا در قرآن

خداوند با توجه به نیازهای بشر و با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان بندگان، به آن‌ها وعده‌هایی داده است.

که قرآن با توجه به آثار تربیتی این وعده‌ها و به تناسب شرایط مسلمان به نقل این وعده‌ها و وعده‌هایی که خداوند به مسلمانان داده است پرداخته که مهمترین آن‌ها را ذکر می‌نماییم:

وعده صادق مغفرت و اجر عظیم

یکی از وعده‌هایی که خداوند به مؤمنین داده است، وعده مغفرت و اجر عظیم می‌باشد، قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (18)

«خداوند، به آن‌ها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است.

وعده عدم ضرر از توطئه‌های دشمن برای متقین:

«اگر [در برابر آنها] صبر و پرهیزکاری پیشه کنید، نقشه‌های [خائنانه] آنها به شما زبانی نمی‌رساند (19).

وعده از بین رفتن باطل در مقابل جریان حق:

حق بیامد و باطل رفت که باطل از میان رفتنی است (20). حق را بر باطل می‌افکنیم و (حق) آن را درهم می‌شکند و آن (باطل) یکباره از میان می‌رود (21). خدای متعال باطل را نابود می‌سازد و حق را با کلمات خویش استقرار می‌دهد (22).

وعده غلبه تعداد کم مومنان بر تعداد زیاد کافران:

چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا با شکیبایان است (23).

وعده نابودی کافران و ظالمان با حاکمیت الهی در یک جامعه:

«أَقْلَمُ يَهْدِي لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكَانِهِمْ»

وعده نصرت مومنان و انتقام از مجرمانی که به مومنان ظلم کرده اند:

«إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ»؛ مسلما ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت (24).

وعده تدافع حق و باطل و حاکمیت و پیروزی حق:

از نظر قرآن همواره حق و باطل در جنگ و تدافع با یکدیگر است تا زمانی که حق چیره و باطل نابود شود؛ البته همواره باطل

همانند کف روی آب است. که به چشم می آید و غلبه ظاهری دارد، ولی دیری نمی پاید که از میان می رود و چون حیابی ی ترکد (25).

در نهایت این باطل است که نابود می شود؛ و خداوند، باطل را محو می کند و حق را به فرمانش پابرجا می سازد (26).

وعده بشارت رحمت به صبرکنندگان در آزمایش و ابتلا:
و بی تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات [نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می کنیم.

و صبرکنندگان را بشارت ده. * همان کسانی که چون بلا و آسیبی به آنان رسد، گویند ما مملوک خداییم و یقیناً به سوی او بازمی گردیم. * آنانند که درودها و رحمتی از سوی پروردگارشان بر آنان است و آنانند که هدایت یافته اند (27).

وعده حمایت از مومنان با از بین رفتن برخی ظالمان توسط برخی دیگر:
اینگونه برخی ستمکاران را بر برخی به کیفر گناھانی که همواره مرتکب می شدند، مسلط و چیره می کنیم (28).

وعده صادق معاد و قیامت
بیشترین و مهمترین وعده هایی که خداوند به بندگان داده است وعده هایی است که مربوط به مسأله روز جزا و یقینی و قریب الوقوع بودن آن می باشد:
«إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ...» (29)

«بازگشت همه شما بسوی اوست! خداوند وعده حقی فرموده او آفرینش را آغاز می کند...»

وعده صادق بهشت و نعمت های بهشتی
از دیگر وعده هایی که در قرآن بسیار به چشم می خورد آیاتی است که بهشت و نعمت های آن را به مؤمنین وعده و بشارت می دهد:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (30)

«و کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، بزودی آن را در باغهایی از بهشت وارد می کنیم ... وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده هایش، از خدا صادقتر باشد؟»

خداوند در این آیه به کسانی که در اثر ایمان به آفریدگار از تمایلات نفسانی پرهیز نموده و منحرف نگشتند بهشتهایی با اوصاف گوناگون را وعده داده و بر حتمی بودن این وعده تأکید نموده است و از این طریق آن ها را به انجام اعمال صالح تشویق و ترغیب نموده است. (31)

وعده صادق جهنم و عذابهای جاودانه
خداوند همانگونه که به انسان وعده بهشت داده است، به آن ها وعده عذاب نیز داده تا بدانند که همه اعمال آن ها ثبت و محاسبه شده و لذا مجاز به انجام هر کاری نیستند:

«وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ» (32) (33) و دوزخ، میعادگاه همه آنهاست.. «

وعده صادق خلافت در زمین
یکی از وعده هایی که خداوند به مؤمنین داده است وعده حکمرانی در زمین است:
«وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (34)
«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید...»

مفسرین در تفسیر این آیه احتمالات زیادی را بررسی نموده اند، اما آنچه مهم به نظر می رسد این است که خداوند به مؤمنینی که دارای اعمال صالحه هستند .

و عده می دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد.

و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان و از کفار و جلو گیریهایشان بیمی نداشته باشند، خداوند را آزادانه عبادت کنند، و چیزی را شریک او قرار ندهند. (35)

سنت تغییر سرنوشت جوامع با اختیار و اراده خودشان:

خدا سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آنکه خودشان دست به تغییر بزنند (36). سنت های الهی محیط و حاکم بر رفتارهای انسان است و جوامع انسانی هر نوع تفکر و سلوک و رفتاری را برگزینند، به تناسب آن، سنت های الهی بر سرنوشت شان حاکم می شود.

و عده نصرت الهی:

اگر خدا را یاری کردید، خدا هم شما را یاری می کند و شما را ثابت قدم می کند (38). و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند (38).

و عده یاری و نصرت مومنان:

و یاری مومنان، همواره حقی است برعهده ما (39).

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته اند، از خدا یاری خواسته و انتقام می طلبند و کسانی که ستم کرده اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت (40).

و عده دفاع خدا از مومنان:

مسلم خدا از مؤمنان دفاع می کند (41).

پس آیا [این حقیقت] سبب هدایتشان نشده است که چه بسیار امت ها را پیش از آنان هلاک کردیم که [اینان] در مساکن آنان رفت و آمد می کنند؟ (42).

5 وعده الهی هدایت نیکوکاران تلاشگر: و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است (43).

و عده آسانی و گشایش همراه سختی:

از جمله سنت های الهی آن است که با هر سختی دو آسانی از قبل و بعد برای شخص و جامعه فراهم آید.

پس اینطور نیست که عسر و سختی، دائمی باشد، بلکه سختی از دو سو با آسانی محدود می شود و اجازه طغیان به آن داده نمی شود. خدا می فرماید: «قَاتِنَا مَعَ الْعُسْرِ یَسْرًا»؛ پس به راستی با هر سختی یک آسانی است (44).

و عده افزایش رفاه اجتماعی و نزول برکت در صورت ایمان و تقوای الهی:

و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم (45).

و عده افزایش برکات در صورت استقامت:

و اگر جن و انسان به طریقت ایمان پایداری کنند، با آبی فراوان سیرابشان می کنیم (46).

و عده حاکمیت مستضعفان بر زمین:

و اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم (47). و مشرق ها و مغرب های پربرکت زمین را به آن قوم تضعیف شده [زیر زنجیر ظلم و ستم] واگذار کردیم (48).

و عده حاکمیت مومنین و صالحین بر زمین:

خدای متعال به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که در زمین جانشینشان سازد (49).

ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد (50).

و عده عذاب نشدن حاکمیت مصلحان:

و چنین نبود که پروردگارت آبادی ها را به ظلم و ستم نابود کند درحالی که اهلش درصدد اصلاح بوده باشند (51).

وعده پیروزی رهبران الهی و مومنان:

خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز شویم (52). ما، به یقین فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی این جهانی و روزی که گواهان می ایستند، یاری می کنیم (53).

وعده عزتمندی مومنان:

عزت مخصوص خدا و رسول او و مومنان است (54).

وعده کفایت الهی از متوکلین:

هر کسی به خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند (55).

وعده از بین رفتن ترس و اندوه برای خداجویان:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»

وعده زندگی گوارا برای صالحان:

«من عمل صالحاً من ذكر او انثى و هو مؤمن فلنجيبه حياه طيبه».

وعده محبوبیت مومنان و صالحان:

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی (در دل ها) قرار می دهد (56).

وعده بهروزی و سعادت مجاهدان راه خدا:

(ای پیامبر! به منافقان) بگو: آیا برای ما جز یکی از دو نیکی (فتح یا شهادت) را انتظار دارید؟ ولی ما منتظریم که عذاب خداوند یا از سوی خودش یا به دست ما به شما برسد. پس شما منتظر باشید، ما نیز با شما در انتظار می مانیم (توبه 52).

وعده نجات مومنان:

آنگاه فرستادگانمان و نیز کسانی را که ایمان آورده اند، می رهانیم. بر عهده ماست که مؤمنان را رهایی دهیم (یونس، 103).

وعده غلبه حزب الله:

به راستی گروه خدای متعالی است که چیره است (مائده، 56). سخن ما درباره بندگان پیامبرمان از پیش چنین رفته است* که آنان اند که یاری می شوند* و سپاهیان مایند که چیره می گردند» (57).

وعده عذاب نشدن مستغفران:

(ای پیغمبر) تا تو در میان آنان هستی خدا بر آن نیست که آنها را عذاب کند و تا آنان طلب آمرزش می کنند خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود (58).

وعده دستیابی به غنائم از دشمنان:

خداوند غنائم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می آورید، ولی این یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت؛ و دست تعدی مردم [= دشمنان] را از شما بازداشت تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند (59).

پرسش :

علی رغم صادق بودن وعده های الهی، چرا بعضی از دعاها یا مستجاب نشده و یا انفاق های ما مضاعف نمی شود؟

پاسخ:

مسئله مهم این است که انفاق [بایستی] از اموال حلال و مشروع باشد که خدا غیر آن را قبول نمی کند و برکت نمی دهد. لذا در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم:

شخصی خدمتش عرض کرد دو آیه در قرآن است که هر چه من به سراغ آن می روم آن را نمی یابم [و به محتوای آن

نمی (رسم). امام فرمود کدام آیه است؟ عرض کرد: نخست این سخن خداوند بزرگ است که می (گمید):

«أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (60)؛ (مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم) من خدا را می (خوانم)؛ اما دعایم مستجاب نمی (شود)؛ فرمود: آیا فکر می (کنی خداوند عزّ و جلّ، وعده خود را تخلف کرده؟ عرض کرد:

نه). فرمود: پس علت آن چیست؟ عرض کرد: نمی دانم. فرمود: ولی من به تو خبر می دهم: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ مِنْ دُعَائِهِ مِنْ جَهَةِ الدَّعَاءِ أَجَابَهُ» (61)؛

(کسی که اطاعت خداوند متعال کند در آنچه امر به دعا کرده و جهت دعا را در آن رعایت کند، اجابت خواهد کرد). عرض کرد: جهت دعا چیست؟

فرمود: نخست حمد خدای [را] می (کنی و نعمت او را یادآور می شوی)؛ سپس شکر می (کنی)؛ بعد درود بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می (فرستی)؛ سپس گناهانت را به خاطر می (آوری)،

اقرار می (کنی و از آنها به خدا پناه می (بری و توبه می (نمایی)؛ این است جهت دعا. سپس فرمود: آیه دیگر کدام است؟ عرض کرد: این آیه است که می (فرماید):

«وَمَا أَنْعَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (62)؛ (و هر چیزی را [در راه او] انفاق کنید، عوض آن رامی دهد [و جای آن را پر می کند]؛ و او بهترین روزی دهندگان است).

اما من در راه خدا انفاق می (کنم)؛ ولی چیزی که جای آن را پر کند عاید من نمی (شود). امام (علیه السلام) فرمود: فکر می (کنی خداوند از وعده خود تخلف کرده؟ عرض کرد: نه). فرمود:

پس چرا چنین است؟ عرض کرد: نمی (دانم). فرمود: «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ اكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ حِلِّهِ وَ انْفَقَهُ فِي حِلِّهِ، لَمْ يُنْفِقْ دِرْهَمًا إِلَّا أَخْلَفَ عَلَيْهِ» (63)؛

(اگر کسی از شما مال حلالی به دست آورد و در راه حلال انفاق کند، هیچ درهمی را انفاق نمی (کند)؛ مگر این که خدا عوضش را به او می (دهد). (64)

نتیجه:

وعد در اصطلاح به معنی منعهد شدن بر انجام کاری اعم از خیر و شر می باشد و وعده های خداوند حق است و حتماً واقع خواهد شد چرا که او یگانه مالک هستی است.

و از آن جا که عجز و احتیاج و نسیان در خدا راه ندارد صدور خلف وعده از او محال است و دیگر این که خلف وعده با حکمت او منافات دارد، بیشترین وعده های خدا در قرآن مربوط به مسأله معاد و قیامت می باشد.

پی نوشت:

1. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج 7، ص 227، دار الکتب الإسلامية، 1371 ش، تهران، ششم.
2. حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج 3، ص 219، تهران، مرکز نشر کتاب، 1380 ش، چاپ اول.
3. ابی هلال عسگری و سید نورالدین جزایری، معجم فروق اللغویة (حاوی کتاب ابی هلال و سید)، ص 379، ش 1525، تحقیق: مؤسسه نشر اسلامی، تنظیم: شیخ بیت الله بیات، چاپ اول، 1412.
4. محمد بن مکرّم بن منظور، لسان العرب، ج 3، ص 463، بیروت، دار صادر، 1414.
5. سید عبد الحسین طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 360، تهران، انتشارات اسلام، 1378 ش، چاپ دوم.
6. سید عبد الحسین طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 299، تهران، انتشارات اسلام، 1378 ش، چاپ دوم.
7. سید عبد الحسین طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 9، ص 275، تهران، انتشارات اسلام، 1378 ش، چاپ دوم.
8. یونس /سوره 10، آیه 55.
9. سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه المیزان، ج 10، ص 111، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، 1374 ش، چاپ پنجم.
10. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 10، ص 284، دارالکتب الاسلامیه، 1374 ش، چاپ اول.
11. ابراهیم /سوره 14، آیه 47.

۱۲. مرسلات /سوره ۷۷، آیه ۷.
۱۳. سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۱۱۰، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش، چاپ پنجم.
۱۴. سید عبد الحسین طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۱۵، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش، چاپ دوم.
۱۵. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۲۳۶، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۱۶. انفال /سوره ۸، آیه ۷.
۱۷. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۰۰، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول.
۱۸. مائده/سوره ۵، آیه ۹.
۱۹. آل عمران 120
۲۰. اسراء/81
۲۱. انبیا 18
۲۲. شوری ۲۴
۲۳. بقره، 249
۲۴. سجده، آیه 22
۲۵. رعد، آیه 17
۲۶. شوری، 24
۲۷. بقره 157-155
۲۸. انعام، 129
۲۹. یونس /سوره ۱۰، آیه ۴.
۳۰. نساء/سوره ۴، آیه ۱۲۲.
۳۱. سید محمد حسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۴، ص ۲۱۷، تحقیق: بهبودی، محمدباقر، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق، اول.
۳۲. حجر/سوره ۱۵، آیه ۴۳.
۳۳. حجر/سوره ۱۵، آیه ۴۴.
۳۴. نور/سوره ۲۴، آیه ۵۵.
۳۵. سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش، چاپ پنجم.
۳۶. رعد، آیه 11
۳۷. محمد ۷
۳۸. حج ۴۰
۳۹. روم، آیه 47
۴۰. شعراء، 227
۴۱. حج 38
۴۲. طه، آیه 128
۴۳. ابراهیم، 69
۴۴. انشراح، ۵
۴۵. اعراف، آیه 96
۴۶. جن 16
۴۷. قصص، 5
۴۸. اعراف، 137
۴۵۹. نور ۵۵
۵۰. انبیا، 105
۵۱. هود، ۱۱۷
۵۲. مجادله: 21
۵۳. غافر، 51
۵۴. منافقون 8
۵۵. طلاق 3
۵۶. مریم ۹۶
۵۷. صافات، 173-171
۵۸. انفال، ۳۳

59. فتح آیه ۲۰
60. قرآن کریم، سوره غافر، آیه 60.
61. الکافی (ط- الإسلامیة)، کلینی، محمد بن یعقوب؛ rlm&، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیة، تهران&1407، rlm& ق rlm&، ج 2، ص 486.
62. قرآن کریم، سوره سبأ، آیه 39.
- 63 الکافی، همان.
64. اسلام و کمکهای مردمی& rlm&، مکارم شیرازی، ناصر، rlm&تهیه و تنظیم، فرازمنند، جواهر السلطان، نسل جوان& rlm&، قم&1383، rlm&، ش، rlm& چاپ اول، rlm& ص 43.

منابع:

<https://makarem.ir/maaref/fa/article/index/417092>

<https://defapress.ir/fa/news/44288>

<https://article.tebyan.net/225089>

<https://fa.wikifeqh.ir> وعده های خدا

<https://wikiporsesh.ir> صادق

راسخون